



گفتگو

آنچه من آید حاصل گفت و گوی خانم طاهره طاهری با آقای دکتر مهدی محسنیان راد است. ایشان لیسانس روزنامه نگاری و رادیو و تلویزیون، فوق لیسانس تحقیق در ارتباط جمعی، دکترای جامعه شناسی، عضو هیئت علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات و مؤلف هشت کتاب در حوزه علوم ارتباطات هستند. همچنین دوبار به عنوان پژوهشگر نمونه سال برگزیده شده اند.

طاهره طاهری^۱

ساکن کدام منطقه مد نظر ما است؟ اما از این سؤال چنین برمی آید که منظور شما انسانی است که در فضایی که بیشترین امکان استفاده از فناوری های ICT^۲ برایش فراهم شده باشد، زندگی می کند.

سخن بر سر این است که انسان ساکن در جوامعی که ICT در آنها دارای مقام اول هستند، با انسان عصر

۱. انسان عصر اطلاعات و ارتباطات چگونه انسانی است؟

تصور می کنم وقتی از انسان عصر اطلاعات صحبت می شود، به دنبال آن باید پرسید منظور انسان ساکن کدام یک از حوزه های جغرافیایی اجتماعی جهان معاصر است؟ انسان حاضر در برونی با انسان حاضر در بورکینافاسو با انسان حاضر در امریکا خیلی فرق می کند. بنابراین متأسفانه در عصر اطلاعات ما با شرایط خاص "فاصله طبقاتی اطلاعات" مواجه هستیم. پس انسان

۱. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

2. Information and Communication technology

صنعتی فرق دارد. به عبارت دیگر انسان عصر صنعتی با انسان عصر ICT به اندازه دو جامعه صنعتی و غیر صنعتی تفاوت دارد. در عصر صنعتی نیز انسان مقیم یورکشایر با انسان مقیم تهران و اصفهان دوره فتحعلی شاه قاجار با هم متفاوت بودند. در تاریخ تحولات اجتماعی، آن عصر را عصر صنعتی می‌دانند اما تفاوت آن با دوره حاضر در این است که میان انسان مقیم یورکشایر با انسان مقیم اصفهان دوره فتحعلی شاه قاجار اصلاً ارتباطی نبوده است که تفاوت‌های حضور خود را در شرایط متفاوت آن عصر ببینند و اگر هم اتصالی بوده، یک اتصال وابسته نبوده است. شما اگر می‌توانستید از محصولی که در امریکا تولید شده بود استفاده می‌کردید و اگر نمی‌توانستید، استفاده نمی‌کردید و هیچ اتفاقی هم نمی‌افتاد. اما الان این طور نیست، انسان مقیم یورکشایر به نوعی با انسان مقیم یورکشایر در ارتباط است و این تفاوت را حس و این فاصله را درک می‌کند.

در واقع شرایط به گونه‌ای است که شمای مقیم ایران نیز. حتی اگر اینترنت و آنتن ماهواره و دیگر فناوری‌های ICT را در اختیار داشته باشید. این فاصله را حس می‌کنید. مثلاً اگر شما بخواهید در یک همایش بین‌المللی شرکت کنید، پرداخت حق ثبت نام منوط به طی شدن یک سیر طولانی اداری و کاغذبازی است. حال اگر بخواهید مشمول جریمه دیر کرد نشوید و مثلاً ۳۰۰ یا ۴۰۰ دلار را خودتان برای دبیرخانه همایش ارسال کنید و پس از تصویب دانشگاه ایران، آن را از دانشگاه دریافت کنید، امکان ندارد. بانک برای ارسال این ارز مجوز می‌خواهد. شما در تارهای جهان سومی خود گرفتارید و از سوی دیگر مثلاً یک محقق بلژیکی با کارت اعتباریش از طریق همان اینترنت، ۳۰۰ دلار را به حساب همایش واریز می‌کند. او برای این کار چند دقیقه انرژی مصرف می‌کند و بقیه انرژی را صرف مقاله همایش می‌نماید و شما در اینجا برعکس مقدار زیادی انرژی برای ارسال آن ۳۰۰

دلار مصرف کرده‌اید. از طرف دیگر همین که از مرز خارج می‌شوید و وارد کشورهای اروپایی یا امریکا می‌شوید، زمان خرید که اسکناس در می‌آورید تا به فروشنده بپردازید با تعجب به شما نگاه می‌کنند، زیرا انسان ساکن در آن کشورها دیگر پول در اختیار ندارد، بلکه همه پرداخت‌های او الکترونیکی و رقمی است. این مسئله با عصر صنعتی شدن فرق می‌کند. انسانی که در عصر صنعتی در کره زمین پراکنده بود با انسان عصر ICT که روی کره زمین پراکنده است تفاوت دارد. این فواصل و تفاوت‌ها گاهی به علت جبرهای اجتماعی است و آن کشورهایی که عقب مانده‌اند و به تحولات توجهی ندارند، ضربه‌هایی می‌خورند که با ضربه‌های دوره صنعتی در یورکشایر فرق می‌کند. این خود یک تفاوت است پس ناچارم در مقابل سؤال شما پیرسم، انسان عصر ICT در کدامین مکان؟ حال با این نگرش، باید توجه داشت انسان در جامعه‌ای که امکانات را در سطح گسترده در اختیار او قرار می‌دهد، دارای توانایی و قدرتی است که به تدریج به دست آورده است. این انسان خیلی توانا تر از قبل شده است. در غرب دستگاه‌های خیلی ابتدایی در اختیار مردم است که وقتی دنبال نشانی جایی هستید به کمک ماهواره می‌توانید آن نشانی را پیدا کنید. این دستگاه نه فقط داخل ماشین بلکه داخل کیفشان است. زمانی که شما در کشورهای اروپایی حرکت می‌کنید و یورو هم در جیبتان هست و وقتی از فرانسه وارد بلژیک می‌شوید، اصلاً مرزی وجود ندارد، فقط تلفن همراه شما بوق می‌زند و ورود شما را به خاک بلژیک خیر مقدم می‌گوید و به شما اطلاع می‌دهد که از این لحظه شما زیر پوشش تلفن همراه بلژیک هستید. امکانات تلفن همراهی که در ایران در اختیار شما هست با امکانات تلفن همراهی که در ژاپن یا فرانسه در اختیارتان قرار می‌گیرد فرق می‌کند. انسان ساکن در آن مناطق دائماً در حال تماس و ارتباط از نوع بدون درد سر است. می‌خواهم جزئیات

دیگری را بگویم. تک تک این جزئیات ممکن است اهمیتی نداشته باشد ولی ترکیب آنها و مجموعه این جزئیات سبب می شود که ابعاد تحول را بیشتر بشناسیم. پس:

۱. انسان عصر ICT از توانایی هایی برخوردار است که انسان غیر عصر ICT آن توانایی را نداشت.

۲. انسان عصر ICT بیشتر تحت کنترل است و این پدیده ای مهم است و سبب می شود منابع قدرت بتوانند تمام مکالمات، خریدها، کارها، جایجایی ها و موارد دیگر را دائماً کنترل کنند. زمانی که شما با اینترنت می توانید همه کارها از جمله پروازها، جایجایی ها، رزرو هتل و جز آن را انجام بدهید، خواهی نخواهی زیر کنترل نیز هستید.

۳. انسان عصر ICT سعی در تغییر شیوه ارتباطی دارد.

یاد می گیرد کوتاه صحبت کند، اطلاعات را تا آنجا که ممکن است فشرده کند و به تدریج می آموزد چگونه در برابر انبوه اطلاعات به حیات خود ادامه بدهد. ارتباطات انسان عصر اطلاعات پوزیتیویستی ترمی شود. دیگر فرصت ندارد به اندازه یک فرد کرمانی یا رفسنجانی احوال افراد خانواده را هم پرسد. او بسیار تلگرافی حرف می زند و تلگرافی می شنود و این عملکرد کم کم به یک فرهنگ، یک عادت و یک سبک ارتباطی تبدیل می شود. البته این اعمال پیامدهایی هم دارد، درست است که زمان هرز و اطلاعات زاید، کمتر خواهیم داشت ولی از آن سو، احتمالاً انسان عصر ICT احساس تنهایی بیشتری خواهد کرد.

مانمی توانیم عواطف ناشی از تنهایی یا غم از دست دادن یک دوست را با تلگراف کوتاه، پرکنیم. پس انسان عصر ICT تحت تأثیر تغییراتی که در شیوه ارتباطی فراهم شده است به سمت این احساس تنهایی پیش می رود.

۴. برخی تجربیات اجتماعی و شکل آن تجربیات تغییر پیدا می کند. در فرهنگ ایرانی، نان سنگک خریدن

قواعدی دارد. یک بچه ۱۲ ساله وقتی می رود نان بخرد باید از خیلی چیزها مراقبت کند، مواظب باشد حقش را نخورند، نوبتش حفظ شود، دستش نسوزد، اگر دستش سوخت از خودش عکس العمل نشان ندهد که دیگران به او بخندند و آبرویش برود، پولی که بابت خرید نان می دهد و بقیه آن را که پس می گیرد، درست باشد و شاید چندین مراقبت دیگر. حال این آدم، قرار است در عصر ICT نان سنگکش را با اینترنت بخرد. من تصور می کنم در آن شرایط، فرصت کسب آن تجربیات را از دست می دهد. پس می بینید تحولات در ارتباطات، شرایطی را پیش می آورد که به شدت به مطالعات میان رشته ای نیاز پیدا می شود.

من دوستی دارم به نام آقای دکتر عباس ملک، ایشان استاد علوم ارتباطات در دانشگاه هاوارد است، دالم از طریق اینترنت با هم در ارتباط هستیم و در همایش ها همدیگر را می بینیم، اما او کارت تبریک نوروز سال ۸۰ را با پست و به شیوه سنتی برای من فرستاد زیرا احساس کرد اوج محبتش این است که با تلفن و اینترنت به من تبریک نگوید بلکه کارت پستال را با خودکار بنویسد پاکت را تمبر بزند و از طریق اداره پست برای من بفرستد، چرا؟ شاید چون ICT نمی تواند. حتی برای دو معلم علوم ارتباطات. جای پست سنتی را پر کند. شاید چون در ICT انبوهی از اطلاعات وجود دارد در حالی که در پست این گونه نیست.

یادمان باشد که در کنار تحولات نرم افزاری و اجتماعی به معنای عام، دانش مرتبط با فناوری چندین قدم از ما جلوتر است و اوست که هم نیازهایمان را برطرف می کند و هم نیازهای جدید برایمان می سازد. مثلاً اگر خودمان خواستیم اطلاعات را وچین کنیم، او به زودی این کار را برایمان خواهد کرد. فکر نکنید بهمن اطلاعات جاودانی است، فناوری فوراً راه مقابله با مسائل جدید را پیدا می کند. پیچیدگی قضیه از اینجا ناشی می شود که ما

میانجی‌ها و اپراتورها در ارتباطات و انتقال اطلاعات در عصر ICT در جوامعی که از ICT دور هستند کاهش پیدا کند، تحولات عمیق‌تر خواهد بود. زمانی که ما جوان بودیم و مثلاً می‌خواستیم با آلمان صحبت کنیم باید ابتدا با تلفنخانه تماس می‌گرفتیم و شب هنگام از طریق آنها، شماره مورد نظر گرفته می‌شد و با آلمان صحبت می‌کردیم. الان مطلقاً آن اپراتور وجود ندارد. ضمن اینکه همین الان امکاناتی فراهم شده است که با تلفن بتوانیم یک نوار ویدیویی ۳ ساعته را ظرف ۲-۳ دقیقه از طریق تلفن، نه اینترنت، به پاریس منتقل کنیم تا ضبط شود. این دستگاه سال گذشته اختراع شده است. این دستگاه به تلفن وصل می‌شود و نوار ویدیویی را به صورت رقومی

مجبوریم با اطلاعات موجود از فناوری فعلی، آینده را پیش‌بینی کنیم و این پیش‌بینی غلط است. چون آینده، فناوری خاص آن دوره را به وجود می‌آورد و همه چیز را به نفع خود متحول می‌کند. مثال خیلی نزدیک این است که ما پیش‌بینی می‌کنیم ۶ تا ۷ سال دیگر دریافت مستقیم برنامه‌های تلویزیون بدون احتیاج به آنتن ماهواره‌ای امکان‌پذیر باشد و در آن زمان اتفاق مهمی خواهد افتاد و آن فاصله میان اصفهان دوره فتحعلی‌شاه قاجار با یورکشایر خیلی بیشتر احساس می‌شود. یعنی یک دفعه انسان مقیم جامعه غیر ICT در برابر نگاه مستمر به جامعه ICT قرار می‌گیرد و خیلی از قضایای دیگر هم متحول می‌شود و آنجا ما وارد دوره تحول خیلی خیلی مهمی خواهیم شد.



گفتگو

به هر نقطه از جهان منتقل می‌کند. و خیلی کارهای دیگر...

زمانی در گمرک مهرآباد باید برای ورود و خروج نوارهای صوتی از ارشاد اجازه می‌گرفتیم ولی خوب حالا ببینید جامعه به چه سمتی سوق پیدا کرده است. تمام

۲. چگونه ممکن است جوامعی که از حوزه ICT دور هستند دچار تحولات خیلی مهم بشوند؟ از چند راه ممکن است این تحول به وجود آید:

۱. کاهش میانجی‌گری و واسطه‌گری: هر اندازه تعداد

و حکومت‌ها فراهم می‌کند. حکومت‌ها دچار جبرهایی خواهند شد که دیگر نمی‌توانند از آن اجتناب کنند و دچار اختیاراتی می‌شوند که قبلاً نداشتند، به این ترتیب انسان معاصر دچار تحولاتی خواهد شد که شاید یکی از آنها افزایش قدرت‌گزینش اوست.

در سال ۱۳۴۰ وقتی می‌خواستید کانال تلویزیون را عوض کنید باید با دست این کار را انجام می‌دادید، اما الان کنترل از راه دور در دستمان است. روزی که این ابزار اختراع شد ما فکر نمی‌کردیم این اندازه مهم باشد و استفاده از آن عمومی شود. مطمئن باشید اگر مهم نبود، بخش فناوری کاری نمی‌کرد که همه گیر شود. چرا توسعه پیدا کرده است؟ چون مصرف‌کننده به آن احساس نیاز نموده است.

الان در ایران ۷ کانال در اختیار داریم. گزینش‌گر تلویزیون دستگاه کنترل را در دست دارد و به محض این که احساس کند گوینده بی‌ربط حرف می‌زند کانال را عوض می‌کند این قدرت خیلی مهمی است.

ما در جامعه خودمان در حوزه این تحولات دچار تعارض‌های شدیدی هستیم مثلاً تلاش شدیدی می‌شود که قدرت‌گزینش شما در مقابل تلویزیون داخلی افزایش یابد و در مقابل قدرت‌گزینش مطبوعات کاهش یابد. محصول این کار چه خواهد شد؟ در جامعه‌ای که اطلاعات از طریق شیشه‌های در بسته تلویزیونی به جای تحلیل‌های قابل تعمق مطبوعاتی دریافت می‌شود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ به هر حال آنچه مسلم است در آینده شاهد یک رقابت تنگاتنگ میان گزینش و قدرت فرد، و سلطه و کنترل بر فرد خواهیم بود.

نقش ارتباط شناسانه کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی چیست؟
من تصور می‌کنم هر اندازه ما با انبوه بیشتر اطلاعات در آینده سروکار داشته باشیم، نقش کتابدار پررنگ‌تر خواهد شد. شاید ۲۰ سال دیگر این همه کاغذ مصرف کردن و به طبیعت آسیب رساندن کار درستی نباشد و

آن میانجی‌ها و اپراتورها و دروازه‌بان‌های پیام به تدریج از بین می‌رود. این دروازه‌بانی در مورد دریافت برنامه‌های تلویزیونی بیگانه نیز در چند سال آینده به وقوع خواهد پیوست.

۲. تحول بسیار مهم دیگری که اگر اتفاق بیفتد بسیار مهم خواهد بود تحول نرم‌افزاری در حوزه ترجمه زبان‌ها است. یعنی اختراع دستگاهی قابل حمل که در حد دستگاه تلفن همراه باشد و امکان ترجمه همزمان کلام را فراهم سازد. اگر این وسیله اختراع شود که مقدمات آن هم فراهم شده است، یک باره یک دیوار بسیار بسیار قدیمی و طولانی که همان مانع زبانی است فرو می‌ریزد. در اثر توسعه ICT، زبان انگلیسی در جهان قدرت فراوانی به دست آورده است. فرد فرانسوی مجبور است بخشی از کارهایش را در عصر ICT به زبان انگلیسی انجام بدهد. همایش‌های جهانی بیشتر به زبان انگلیسی است یا حداقل اگر در کشوری فرانسوی یا اسپانیایی زبان آن برگزار می‌شود، زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم شناخته شده است. سلطه این زبان تا زمانی ادامه خواهد داشت که فناوری ترجمه همزمان متحول شود. با وجود آن فناوری، همه چیز به هم می‌ریزد و ارتباطات بدون واسطه بسیار بسیار بیشتر خواهد شد. من چند سال پیش در مصاحبه‌ای گفتم که روابط بین‌المللی که وزارت‌های امور خارجه کشورهای جهان به کار می‌برند، یک جعل است. روابط بین‌الملل هنوز در جهان شکل نگرفته و آنچه انجام می‌شود روابط بین‌الدول است. ما باید صبر کنیم تا روابط بین‌الملل شکل بگیرد. این اختراع به اضافه تحولات فناوری در آینده ICT بسیار مهم خواهد بود. شما تصور کنید دورانی که واسطه‌گری و دروازه‌بانی تمام شده باشد و مثلاً شما می‌توانید با آدم‌های ساکن کشورهای متروک امریکای جنوبی یا آفریقای جنوبی ارتباط برقرار کنید، چه اتفاقی خواهد افتاد. ملاحظه می‌کنید مجموعه اینها جبر و اختیارات جدیدی را برای انسان، منابع قدرت

کتاب های قطور کتابخانه ها همه اش به چیزی شبیه لوح فشرده تبدیل شود. سوای لوح فشرده ما کتاب های الکترونیکی را خواهیم داشت. کتاب هایی که حجم یک دایرة المعارف را در یک جلد دارند و شما فقط همان یک جلد را می خرید و با آن کار می کنید.

بنابراین من تصور می کنم کتابخانه به شیوة سنتی که الان ما داریم، دوره اش روبه پایان است، اما به هیچ وجه کتاب را نمی توان از زندگی اجتماعی خود حذف کرد. در غرب جدیداً به پدیده ای روی آورده اند و آن "بازگشت به گذشته" است. فیلم های کلاسیک دهه ۱۹۵۰ مکرر نمایش داده می شود. موسیقی جاز دهه ۱۹۵۰ با امکانات وسیع اجرا و پخش می شود. مولوی، در امریکا مجدداً کشف شده است. اینها میراث تمدن بشری هستند و بشر به این تمدن احتیاج دارد. قطعاً تحولات ICT در مورد کتابخانه ها نیز قدم به قدم اجرا خواهد شد. اما طبقات بعدی، روی طبقات قبلی احداث خواهد شد. من در مصاحبه ای در ۱۰ سال پیش، یعنی زمانی که ICT تازه داشت شروع می شد، گفتم یکی از پایه های اصلی تمدن

غرب، دایرة المعارف بریتانیکا است که حالا به صورت لوح فشرده یا از طریق اینترنت آن را عرضه می کنند. ولی ما این پایه قوی را نداریم. ما دایرة المعارف جامعی در حد بریتانیکا و لاروس برای زبان فارسی نداریم. کتاب آقای دهخدا یک دایرة المعارف نیست. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، دایرة المعارف شیعه و دایرة المعارف ۳ جلدی مصاحب، دایرة المعارف ایران نیست. حجم دایرة المعارف ایران باید ۷۵ برابر دایرة المعارف بریتانیکا باشد. زیرا قدمت و حجم میراث فرهنگی ما به مراتب بیش از آنهاست. البته با دست یابی به فناوری های نوین. از جمله حروفچینی رایانه ای به جای گارسه و یا اسکن متون اصیل و کهن به جای فیلم و زینگ، کارهایی را که ۲۰ سال پیش در مدتی طولانی و بادشواری های بسیار می توانستیم انجام دهیم اکنون بسیار سریع تر و صحیح تر می توانیم انجام دهیم. بنابراین باید کوشش کرد که از این امکانات برای پر کردن آن خلاء دیرینه استفاده کرد. هر قدر ذخیره نظام مند اطلاعات ما بیشتر شود، در تحولات آینده ICT با دستی پرتر عمل خواهیم کرد.